

رفتار حکومتی زردشتیان با مسیحیت نوظهور مبتنی بر عهد زمامداران مختلف ساسانی

ایوب احمدی

فرهنگ و زبان های باستانی ایران، دانشکده ادبیات، علوم و تحقیقات، تهران، ایران

دکتر زهره زرشناس

گروه زبان و زبان شناسی، دانشکده ادبیات، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

z.zarshenas@yahoo.com

دکتر ویدا نداف

گروه فرهنگ و زبان های باستانی، دانشکده ادبیات، دانشگاه آزاد واحد همدان، همدان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۱۰)

چکیده

همیشه تشکیل یک تصویر واضح از مراحل اولیه یک مذهب مشکل است. اگر چه می توان به خصوصیت انقلابی بنیان گذاران و مذهب اصلی پی برد، اما مراحل طولانی لازم است تا جامعه نو مذهب خود را از قید و بندهای سنتی کهن برهاند، تصور خود را جامه عمل ببوشاند و استقلال خود را توجیه کند مسیحیت نیز مستثنی نبوده است. مسیحیت جوان خیلی زود به صورت یک کلیسای تبلیغی و ماموریتی درآمد که تاریخ آن را می توان در «اعمال حواریون» دید. واضح است که این ماموریت هدف درازمدتی به دنبال داشت. علاوه بر این در شرق در «خنج» (*Xinjiang*) ترجمه ای از مزامیر یا زبور داوود از سریانی به پهلوی یافته شد که «اندریاس» (*Andreas*) تاریخ آن را اواسط قرن ششم تخمین می زند، این ترجمه نشان می دهد تعدادی از مسیحیان در بین ایرانی های مقیم جاده ابریشم زندگی می کردند. از نقطه نظر ایرانی - زرتشتی راه حل نستوری «برصنوما» (*Bar sauma*) جذاب تر بود. پس ممکن بود شخص را انکار کنند اما نظریه او را به طور کامل تصدیق و قبول کردند. سه قانون مهم در زمان بلاش در سلوکیه به تصویب رسید و اصول مذهب نستوری، مذهب قطعی و منحصر عیسویان ایران شد. در این نوشتار سعی شده است تا رفتار زردشتیان را در برابر مسیحیت مبتنی بر کتاب اعمال حواریون و نامه اعمال شهیدان بررسی شود.

واژگان کلیدی: زردشتی، مسیحیت، شاپور، ساسانیان

مقدمه

همیشه تشکیل یک تصویر واضح از مراحل اولیه یک مذهب مشکل است. اگر چه می‌توان به خصوصیت انقلابی بنیان‌گذاران و مذهب اصلی پی برد، اما مراحل طولانی لازم است تا جامعه نو مذهب خود را از قید و بندهای سنتی کهن برهاند، تصور خود را جامه عمل بپوشاند و استقلال خود را توجیه کند. مسیحیت نیز از این قاعده مستثنی نیست.

مسیحیت جوان خیلی زود به صورت یک کلیسای تبلیغی و ماموریتی درآمد که تاریخ آن را می‌توان در «اعمال حواریون» دید. واضح است که این ماموریت هدف درازمدتی به دنبال داشت.

در دوره میانه سه اصطلاح برای واژه مسیحیت به کار می‌رود: *KLSTYD'N* و *N'cl'y* که در کتیبه کعبه زرتشت در قرن سوم توسط موبد زرتشتی، کرتیر، به کار رفته است و *trs'q* و ام واژه سغدی *tarsāq* (ترساک) که در فارسی امروز به صورت ترسا بکار می‌رود (زرشناس، ۱۳۸۰، ص ۴۱).

اولین اصطلاح واژه سریانی *kristyānē* است، دومی واژه سریانی *nasrāya* سومین اصطلاح ترجمه ای از واژه سریانی *dahlā* به معنی «خداترس» است، این واژه در متنی از قرن نهم که مباحثه ای دینی علیه مسیحی ها است به کار رفته است. (Sims-williams، ۱۹۳۰، ص ۸۹)

فرض بر این است که دو اصطلاح متفاوت برای مسیحیت به دو گروه جوامع مسیحی اطلاق می‌شود که شامل جوامع مسیحی یونانی زبان که افراد

تبعیدی از نواحی غربی تحت تسلط ساسانی به ویژه شاپور اول بودند و همچنین بومی های ایرانی و سریانی زبان می‌شود.

اولین فرصت آموختن تعلیمات نو (مسیحی) برای مردم بومی ایران با معجزه عید پنجاهه در اورشلیم به وجود آمد که یهودیان پارت، ماد، عیلام و بین النهرین آن را ثابت می‌کنند. گرچه می‌توان این بیان را با هر شرایطی تفسیر کرد اما ثابت می‌کند که نقطه شروع مسیحیت گروه های مسیحی-یهودی شرق فرات بودند. این گروه ها پیوسته همچون بازیچه ای بین روم و پارت بودند. اولین قدرت آنها در ناحیه ای از ادیابن (*Adiabene*) (مرکز آن ارییل) و اوسرن (*Osrhoene*) (مرکز آن ادسا) تمرکز می‌یابد. فعالیت تبلیغی بی سر و صدا و به شکل آرام بود اما به طور افزایشنده ای نفوذ می‌کرد. این پیشروی قابل توجه تاریخ نگاران غیرمسیحی آن روزگار بود.

براساس متن سریانی «شرح وقایع تاریخی ارییل» متعلق به قرن ششم، مسیحیت در ادیابن از زمان محاصره آن شهر در اوایل سال ۱۰۰ بعد از میلاد برقرار شد. در زمان تغییر حکومت ایران در آغاز قرن سوم بیش از ۲۰ اسقف نشین شامل «بیت زبده» (*Bēt zabdai*) در قسمت های شمالی در کرک (*karkā*) بیت سلوک (*Bēt sōlōk*)، در قسمت های جنوبی در شوش (بیت لاپاد، هرمزد، اردشیر) و میسن (*Mesene*) (پرات میشان) وجود داشت، که هیچ کدام در نیس پیس یا سلوکیه-تیسفون نبودند. (بویس، ۱۳۸۲، ص ۷۱)

استان های ایران گسترش داده و خود به جنوب «بیت ارامیه» (*Bēt Arāmāyē*) در بابل می رود همان جایی که او اسقف نشینی در کوک (سلوکیه - تیسفون)، شوش (بیت هزایه) (*Bēt Hāzāyē*) و پارس (بیت پارسا یا *Bēt Pārsāyē*) بنیان گذاشت (زرشناس ۱۳۸۹، ص ۹۱)

در واقع مسیحی کردن ارمنستان مقدر بود در پایان قرن سوم میلادی به نیروی ایمان و نبوغ «سن گره گوار» روشنگر تحقق پیدا کند که همچون قسطنطین شایسته لقبی نظیر لقب حواری است. ارمنستان نخستین کشوری بود که دین مسیح را به عنوان دین رسمی مملکت پذیرفت. گره گوار لقب سر اسقف تمامی ارمنستان را دریافت کرد. او کلیسای نو بنیاد ارمنستان، آداب و اصول شریعت و همه کتاب های دینی مسیحیت را به عده زیادی از کشیشان از سوریه که در آن هنگام یکی از بزرگترین کانون های دینی بود، گرفت. سن گره گوار تعداد زیادی حوزه های اسقف نشین نه تنها در ارمنستان بلکه در کشورهای همجوار نیز دایر نمود، و در واقع او بود که بر امر مسیحی کردن سرزمین ایبری (گرجستان) نظارت کرد. بعدها، مبلغین ارمنی شروع به مسیحی کردن کشور آلبانها (آذربایجان فعلی) نمودند. از جمله ابداعات گره گوار مقدس می توان از مکتبی نام برد که نوعی مدرسه طلبگی برای تحصیل طلاب علوم دینی بود و در آنجا پسران کاهنان بت پرست را که به دین مسیح گرویده بودند تربیت کرد، سپس از میان ایشان اسقفان و کشیشان را که می بایست در

در سال ۲۵۰ میلادی مذهب مسیحی تعداد زیادی طرفدار در ایران داشت زیرا بیش از ۶۰ معبد مسیحی در جزیره کرک در خلیج فارس یافت شده است. علاوه بر این در شرق در «خنج» (*Xinjiang*) ترجمه ای از مزامیر یا زبور داوود از سریانی به پهلوی یافته شد که «اندریاس» (*Andreas*) تاریخ آن را اواسط قرن ششم تخمین می زند، این ترجمه نشان می دهد تعدادی از مسیحیان در بین ایرانی های مقیم جاده ابریشم زندگی می کردند

«ادایی» (*Addai*) یکی از ۷۲ حواریونی است که توسط حواری «جوداس توماس» (*Judas Thomas*) به ادسا فرستاده شد. فعالیت های تبلیغی او را حواری «آگایی» (*Aggai*) در تمام بین النهرین انجام می داد. در آغاز قرن چهارم «پاپابراگایی» (*pāpābar Aggai*) اسقف مسیحی سلوکیه تیسفون سعی نمود تمام فرق مسیحی ایران را تحت ریاست مرکز روحانی تیسفون گرد آورد و این موجب مجادلاتی شد که به ضعف عیسویان منتهی گردید. بعد از مرگ او «پالوت» (*Palut*) جای او را می گیرد که اسقف آنتیاک (*Antioch*) او را تعیین می کند. تاریخ حواری «مارماری» (*Mār Mārī*) در مقوله ای ادبی نظیر «ادایی» می گنجد که اهداف تفوق سلوکیه - تیسفون را بیان می کند. در این کتاب بیان می شود که «مارماری» بعد از مرگ معلمش، ادسا را ترک می کند و به نیس بیس می رود و آنجا را مسیحی می کند. بعدا او با کمک دیگر حواریونش کار تبلیغ را به دیگر

مذهب بودند، دیانت در هر گوشه ای از ایران اندکی رواج گرفت. (کریستین سن، ۱۳۶۷، ص ۲۹۰)

با مسیحی شدن کنستانتین و قبول این مذهب به عنوان مذهب حکومتی در اوایل قرن چهارم، مسیحیان ایران تحت سوءظن به عنوان خائنین بالقوه قرار گرفتند. براساس گفته «اسویوس» (Eusebius) کنستانتین شخصا به شاپور دوم نوشت و به او هشدار داد که به خواست خدا شاپور اول در سال ۲۰۶ والرین را شکست داد زیرا والرین مسیحیان را مورد آزار و شکنجه قرار داد (گیرشمن، ۱۳۷۹، ص ۱۶۴)

سلسله ساسانی با کسب قدرت رنسانسی مذهبی و ملی به وجود آورد که پیامدهایی در سیاست های داخلی و خارجی به همراه داشت و فرصت بزرگی برای سیاست قوی مذهبی بر علیه ایرانیان غیر زرتشتی بود. زرتشتی برای اولین بار در تاریخ ایران، مذهب حکومتی شد که روحانیون آن می دانستند چگونه چنین امکاناتی را به کار ببرند. «سنت» را به اردشیر، بنیان گذار حکومت نسبت می دهند در حالی که مذهب و پادشاهی دو جزء تفکیک ناپذیرند و یکی بدون دیگری کامل نیست و آن را می توان در نامه «تسنر» که تاریخ نگارش آن به پایان دوره ساسانی می رسد دید. پرده ابهامی بر روی ایرانیان و همچنین بر سیاست های آنها علیه دیگر مذاهب کشیده شد. در چندین موقعیت مسیحیان و یهودیان پیامدهای سخت داخلی را احساس کردند. (تفضلی، ۱۳۷۶، ص ۳۱۸)

حوزه های اسقف نشین مقیم شوند و به اداره امور دینی بپردازند (پاوستوس، ۱۳۶۹، ص ۱۱۹)

با شکست اردوان پنجم اشکانی که با جنگ هرمزدگان در سال ۲۲۴ میلادی به انجام رسید، سلسله نیرومند و جدیدی در ایران به قدرت رسید که برای یهودی ها و مسیحی ها نگرانی ایجاد کرد. زیرا صبر و تحمل به عنوان یک اصل سیاسی به کار رفته که دوره پارتی به علت بی علافگی به مذاهب برای اقلیت های غیر زرتشتی با آرامش و صلح مشخص می شود. در نتیجه همانطوری که مسیحیت را مورد ملاحظه قرار می دهیم، اگر در دوره پارتی آزار مذهبی ناشناخته بود، در دوره جدید تحکیم و پیشرفت می یابد. شاید به این علت بود که مبلغین به طور گسترده از مراکز تجاری و سیاسی اصلی دوری می کردند و در مناطق دورتر متمرکز می شدند که تحت تاثیر حکومت مرکزی نباشند. در طی اولین نیمه قرن سوم تعداد مسیحیان آنچنان زیاد شد که دولت غیر مسیحی مجبور شد آنها را به عنوان یک عنصر بالقوه و ناآرام به حساب آورد.

موقعی که سلسله ساسانی جانشین اشکانیان شد، عیسویان مرکز تبلیغی مهمی در شهر الرها داشتند. دولت ایران در جنگ های بزرگی که با روم کرد، اسیران را در نواحی دوردست کشور ایران مسکن داد. پادشاهان ایران در لشکرکشی های خود به سوریه گاهی تمام سکنه یک شهر یا یک ناحیه را کوچ داده، در یکی از نقاط داخلی کشور مقیم می کردند. چون قسمت اعظم این مهاجرین عیسوی

او را ندانستند و فرمان نبردند، سختی پیش گرفت و خون بسیار بریخت. میان دو دولت بزرگ ایران و روم صلح واقع شد پس از طرف دولت روم شرقی هیئتی به ریاست «ماروثا» اسقف مایفرقپ به دربار یزدگرد فرستاده شد. شاهنشاه فرمان داد کلیساهایی را که خراب کرده بودند، مجددا بنا کنند و رعایایی را که به جرم عیسویت به زندان افتاده بودند، آزادی دهند. (کریستین سن، ۱۳۶۷، ص ۲۹۲)

یزدگرد دوم تلاش کرد تا ارمنی ها را وادارد به زرتشتی تغییر مذهب دهند، و فرمانده آنها «وردن ممیگونین» (*Vardan Mamikonean*) را در جنگ «اوریر» در سال ۴۵۱ شکست داد. در این جنگ فرمانده ایران بزرگ فرماندار «مهرنرسی» بود که از خانواده «اسپندیاد» اشکانی بود. تاریخ نویسان ارمنی «لزارپریت» او را موعظه گر زرتشتی «متفکر اهریمنی و شیطانی» می نامید. در منابع ساسانی تصویر کاملاً متفاوتی از این وزیر قدرتمند ترسیم می شود: او شهری به نام «مهرنرسی» بنیان گذارد و آتشکده آن را وقف کرد. ساسانیان در جنگ با ارمنستان موفق نبودند و بعد از یک جنگ طولانی ایران آزادی مذهبی را تحت معاهده «نورساک» (*Nuarsak*) در سال ۴۸۴ به ارمنی ها اعطا کرد (ابوالقاسمی، ۱۳۸۴، ص ۵۳)

عیسویان ایران چون به واسطه وقاحت خود حسن ظن یزدگرد را مبدل به بدبینی کرده بودند، آن پادشاه قبل از وفاتش فرمان زجر و تنبیه آنان را صادر کرد و مجری فرمان را مهرشاهپور موبدان موبد قرار داد. پس از جلوس بهرام پنجم قتل و

از سال ۳۳۹ تا هنگام فوت شاهپور دوم تعقیب و آزار عیسویان مخصوصاً در ولایات شمال غربی و در نواحی مجاور دوام داشت. کشتارها رخ داد و جماعتی تبعید شدند. در سال ۳۶۲ «سوزمن» مقتولین عیسوی عهد شاهپور را به ۱۶۰۰۰ نفر بالغ دانسته است که به عقیده لایبور این رقم مبالغه است. در کتب سریانی «اعمال شهداء آزار و تعقیب عیسویان» که مدت دو بیست سال با فواصل چند به طور انجمید مسطور است. (کریستین سن، ۱۳۶۷، ص ۲۹۰)

اردشیر دوم هم که پس از شاهپور به سلطنت رسید، نسبت به عیسویان محبتی نداشت، ولی شاپور سوم و بهرام چهارم که بعد از او به پادشاهی رسیدند، سیاست مودت آمیزی با امپراطوری روم پیش کشیدند. در زمان سلطنت یزدگرد اول (۳۹۹-۴۲۱) در روابط بین عیسویان و زرتشتیان باب جدیدی باز شد. در نوشته های مورخان عیسوی و مولفان ایرانی اختلاف بسیار راجع به احوال یزدگرد اول مشهود است. یکی از منابع سریانی که در عصر یزدگرد به رشته تحریر آمده، او را «شاه یزدگرد نیکوکار و عیسوی رحیم و مقدس ترین پادشاهان» خوانده است. مورخان عرب و ایرانی که نوشته هایشان مبتنی بر تواریخ عهد ساسانی است و ماخوذ از عقاید روحانیون زرتشتی و نجبا می باشد، او را به صفتی از قبیل «گناهکار» خوانده اند. بهرام پنجم که پسر و جانشین یزدگرد بود، در خطابه که در روز بارعام ادا می کرد، چنین گفت که پدر او سلطنت خود را با ملایمت و ملاطفت آغاز کرد، اما چون همه رعایا یا بعضی از آنها قدر

روحانیون زرتشتی بسیار متعصب بودند و هیچ دیانتی را در داخل کشور تجویز نمی کردند. لیکن این تعصب بیشتر مبنی بر علل سیاسی بود، دین زرتشت دیانت تبلیغی نبود و روسای آن داعیه نجات و رستگاری کلیه ابناء بشر را نداشتند، اما در داخل کشور مدعی تسلط تام و مطلق بودند. پیروان سایر ادیان را که رعیت ایران به شمار می آمدند، محل اطمینان قرار نمی داند، خاصه اگر همکیشان آنها در یکی از ممالک خارجه دارای عظمتی بودند. این طبقه روحانی خطر وجود مانویان را در داخل دولت شاهنشاهی دفع کردند. فرق یهودی بابل برای آیین زرتشت و دولت ایران خطری محسوب نمی شد. اما وضع عیسویان با آنان بسیار اختلاف داشت. برای توضیح روابط بین عیسویت و دیانت رسمی ایران در قرون چهارم و پنجم به ذکر عباراتی چند از «زاخو» (*Zāxō*) مبادرت می ورزیم. عیسویت در عهد ساسانی همیشه حتی در سخت ترین دوره های زجر و تعدی مجاز بوده است، اگرچه گاهی بعضی از جوامع عیسوی در شهرها و دهات دستخوش آزار عمال ایرانی می شده اند. (کریستین سن، ۱۳۶۷، صص ۲۹۰ و ۳۲۱) در اواسط قرن سوم مانی بنیان گذار مانویت ظاهر شد. اهمیت زیادی که مانی به مسیح داده، مشخصه مجزایی از مذهب ترکیبی گنوسی (*gnostic*) است. آشکار است «مسیح عهد جدید» که مانی از واژه های آن در شاپورگان که به زبان فارسی است استفاده کرده که نقل قول های مستقیمی از انجیل متی است. این مورد همراه با دانش ذاتی مسیحی که در متن های مسیحی آشکار می شود، می تواند

زجر شروع شد. سکنه عیسوی ممالک مجاور سرحدات غربی دسته دسته به سرزمین بیزانس فرار کردند. مهرشاهپور قبایل عرب را بر ضد آنها تحریک کرد و جماعت بسیاری از عیسویان را به قتل رسانید (کریستین سن، ۱۳۶۷، ص ۳۰۴) از عهد کنستانتین (طبق فرمان امپراطور در سال ۳۱۳ میلادی) پیگرد مسیحیان قطع و متوقف گردید. در پی آن آیین مسیح به عنوان دین رسمی کشور (روم) اعلام شد. پس از این ماجرا در ایران، مسیحیان را متفق و «دوست قیصر» به شمار می آوردند. اکثر مردم سوریه شهرنشین و به تقریب همگی پیرو آیین مسیح بودند. از این رو شاپور طبق بعضی ملاحظات ترجیح داد خزانه دولت را از طریق باج و خراجی که از اهالی شهرها گرفته می شد، پرکند. در آستانه یکصد و هفدهمین سالگرد فرمانروایی شاهان پارس و سی و یکمین سال زندگی شاپور «شاهان شاه» و به دیگر سخن سال ۳۴۰ میلادی، وی فرمان داد که از مسیحیان در برابر اتباع غیر مسیحی کشور مالیات سرانه دریافت شود. شاپور از این اقدام نتایج مورد نظر خویش را بدست نیاورد. نتیجه آن شد که شاپور، فرمانی پیرامون ویران کردن کلیساها و بازداشت «شمعون برسبابه» (*Simon bar sabbāe*) اسقف شهر سلوکیه تیفسون پایتخت کشور ساسانیان صادر کند. طبق ماخذ، از این زمان تبعید مسیحیان سی و نه سال به درازا کشید، طی این مدت اموال بسیاری از مردم مصادره شد و گروه کثیری اعدام شدند. (Assemani, ۱۷۴۸, ص ۹۲)

زردشت دیانت تبلیغی نبود و روسای آن داعیه نجات و رستگاری کلیه ابناء بشر را نداشتند اما در داخل کشور مدعی تسلط عام و مطلق بودند. آنان، پیروان سایر دین‌ها، که رعیت ایران به شمار می‌آمدند، محل اطمینان قرار نمی‌دادند. به خصوص اگر هم کیشان آنها در یکی از ممالک خارج دارای عظمتی بودند. این طبقه روحانی خطر وجود مانویان را در داخل دولت شاهنشاهی دفع کردند. فرقه یهودی بابل برای آیین زردشت و دولت ایران موجب خطری محسوب نمی‌شدند. اما وضع مسیحیان فرق می‌کرد. زمانی که ساسانیان، جانشین اشکانیان شدند، مسیحیان مرکز تبلیغی مهمی در شهر الرها داشتند و مواقعی که دولت ایران با رومی‌ها در جنگ بود، اسیران رومی را به نواحی دوردست ایران می‌فرستاد و چون قسمت اعظم این مهاجرین عیسوی مذهب بودند، دیانت مسیحی در هر گوشه ای از ایران اندکی رواج یافت. تا زمانی که دولت امپراطوری روم، دیانت رسمی نداشت مسیحیان ایران در آرامش می‌زیستند اما چون قسطنطنیه در امپراطوری روم به مسیحیت گروید، وضع تغییر کرد. مسیحیان ایران که خصوصا در نواحی مجاور سرحد روم بودند، مجذوب و فریفته دولت مقتدری شدند که همکیش آنان بودند.

در "نامه اعمال شهیدان" شاهپور به شاهزادگان کشور بدین صورت می‌نویسد: "بمجرد وصول این فرمان، سیمون نصاری را دستگیر کنید و تا این نوشته را امضا نکند و مالیات و خوارج نصاری را که در کشور ما زندگانی می‌کنند بالمضاعف

به این مفهوم باشد که در زمان مانی در بابل مردم اطلاعات دقیقی داشتند. این مردم باید مسیحیت را ارائه داده و تاسیس کرده باشند. مورد غیر قابل بحث دیگر این ارتباط، در مورد کرتیر رهبر متعصب زرتشتی است که در کتیبه کعبه زرتشت در حدود سال ۲۸۰ به آزار و کشتار مسیحیان اشاره می‌کند. شخص مهمی مانند کرتیر نباید در مورد یک اقلیت در کتیبه ای رسمی سخن گفته باشد. مسیحیت برای کرتیر مخالف جدی بود.

در مورد مسیحیان اکثر منابع مورد بحث در مورد عقیده آنها مبنی بر انکار خورشید، آتش و آب به عنوان موضوعات پرستیدنی یا احترام آیینی متمرکز است، که به معنی ستایش خالق بود و بنابراین کفر و ناسزا به همراه داشت. ازدواج بین خویشاوندان (در پهلوی خویدوس *xwētokdas*) که از نظر زرتشتیان رفتاری پرهیزکارانه بود برای مسیحیان غیر قابل درک بود و در نتیجه برخورد تلخی را به وجود می‌آورد. علاوه بر این مجادلات دینی، حملاتی بر زرتشتیان می‌شد مبنی بر اینکه آنها زمان (زروان) را به شکل خدایی می‌پرستیدند که در راس همه خدایان است و پدر و مادر اهورا مزدا و همچنین اهریمن از او منشا می‌گیرند. همانند زروانی که جهان و سرنوشت بشر را رهبری می‌کند (Waterfild, 1973: 148)

نتیجه گیری

روحانیون زردشتی بسیار متعصب بودند و هیچ دیانتی را در داخل کشور تجویز نمی‌کردند. لیکن این تعصب بیشتر مبتنی بر علل سیاسی بود. دین

9- Sims-williams,(1930), C2 , : pp. 31-50, 139-146, 158-162.
 10- Assemani, Stefano Evodio ,(1748) Acta Sanctorum martyrum
 11-Waterfild, Robin, (1973) *The War for Alexander the Great's Empire*, Oxford

نپردازد، او را رها نکنید." او سرانجام بقتل رسید. این وقایع ابتدای تعقیب عیسویان ایران است که از سال ۳۳۹ تا هنگام فوت شاهپور دوم ادامه داشت. مخصوصاً در ولایات مجاور روم، کشتارها رخ داد و هلیودور اسقف را با ۹۰۰۰ نفر به خوزستان تبعید کرد و تعداد مقتولین مسیحی عهد شاهپور را به ۱۲۰۰۰ نفر بالغ می دانند.

منابع

- ۱- ابوالقاسمی، محسن، (۱۳۸۴) راهنمای زبانهای باستانی ایران، تهران، انتشارات سمت
- ۲- بوزند، پاستوس، (۱۳۸۳) تاریخ ارمنیان، ترجمه گارون سارکسیان، تهران، انتشارات نائیری
- ۳- بویس، مری، (۱۳۸۲) باورها و آداب دینی آن ها، ترجمه عسکر بهرامی، انتشارات ققنوس
- ۴- تفضلی، احمد، (۱۳۷۶) تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران، انتشارات سخن
- ۵- زرشناس، زهره، (۱۳۸۰) جستارهایی در زبانهای ایرانی میانه شرقی، تهران، چاپ خواجه
- ۶- زرشناس، زهره، (۱۳۸۹) قصه هایی از سغد، چاپ اتحاد، تهران
- ۷- کریستن سن، آرتور امانوئل، (۱۳۷۲) ترجمه رشید یاسمی، ایران در زمان ساسانیان، چاپ دو هزار، تهران
- ۸- گیرشمن. ر، (۱۳۷۹) ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی